ادامه از صفحه ۷

تاریخ بی‌رحم و قربانیانش

در این کار آخرتان روی یکسری از اقشار حاشیه‌نشین و فرودست که انگار در حوزه عدالت اجتماعی جایی برای آنها نیست، متمرکز شدید. گویی می‌خواهید یک چتر حمایتی برای این آدم‌های تک‌افتاده باز کنید...

من درمورد آدم‌هایی می‌نویسم که بیشتر می‌شناسمشان. سعی نمی‌کنم خارج از اندازه گلیم تجربیاتم پایم را دراز کنم چون در آن صورت اثر صادقانه‌ای از آب در نمی‌آید. طبیعی است شرایطی که یک نویسنده در آن رشد می‌کند، شرایط اقتصادی، سیاسی و خانوادگی، به‌نوعی در نوشته‌هایش بازتاب پیدا می‌کند.

یعنی شما از نظر جایگاه طبقاتی و پایگاه اجتماعی، نسبت و قرابتی با این آدم‌ها داشتید و با آنها دمخور بودید و در دوروبرتان به یک جامعه‌شناسی خودجوش از این آدم‌ها دست پیدا کردید؟

خودم را با قطعیت به این طبقه منتسب نمی‌کنم، اما جامعه‌شناسی خودجوشی که شما از آن حرف زدید تا حد زیادی بوده‌است. یعنی از نزدیک زندگی و وضعیت این آدم‌ها، عقاید و خرافاتشان و آنچه هستی‌شان را تشکیل می‌دهد، بیشتر از اقشار دیگر شناختم و لمس کردم.

آیا این گرایش و تعلق خاطر ناشی از دغدغه‌مندی فردی و اجتماعی است یا فکر می‌کنید این آدم‌ها قابلیت نمایشی خوبی برای حوزه تئاتر دارند؟

در آدم‌هایی از این جنس برای اینکه وضعیت‌های وخیم اجتماعی را بیان بکند، ظرفیت بالایی هست.

یعنی الگویی باشند برای یک قشر یا طبقه اجتماعی و فرهنگی تا بتوانند محملی قرار بگیرند برای پرداختن به معضلات جامعه‌ای که هنوز نتوانسته به حوزه عدالت به درستی نزدیک شود؟

دقیقا همین‌طور است. اینها علاوه بر اینکه الگو قرار می‌گیرند، یک وجه نمادین هم پیدا می‌کنند. در آن سطح روابط پایین و دست چندم اجتماعی این آدم‌ها باقی نمی‌مانیم. ما در حقیقت، این آدم‌ها را انتخاب می‌کنیم و کارکردها و ویژگی‌های دراماتیک را از آنها طلب می‌کنیم. یعنی صرفا یک رئالیسم محض که بدبختی این آدم‌ها را به رخ بکشیم، نیست. به‌نوعی، جدا از اینکه قشر خودشان را نمایندگی می‌کنند، به هرچه‌بهتر بیان‌کردن تم مورد نظر نویسنده کمک می‌کنند. البته در این نمایش اقشار دیگری هم حضور دارند.

در کنار این وجه رئالیستی، شخصیت سرباز کاملا وجوه ناتورالیستی دارد و مبتنی بر غریزه عمل می‌کند. این درشت‌نمایی که روی این آدم دارید و حتی میزانسن پایانی را هم به وسیله او شکل می‌دهید، با یک فرم همخوان با ناتورالیسم هم آمیخته می‌شود. اگر بخواهید برای خودتان سبک و سیاقی قایل شوید، مضامین شما در نمایشنامه‌نویسی از چه اصول و مبانی‌ای تبعیت می‌کنند؟ یک بار ترکیبی رئالیستی- ناتورالیستی؟

اگر بخواهم آثار خودم را به چند دوره تقسیم کنم، یک دوره‌ای که مثلا کار «مشروطه‌بانو» آن را نمایندگی می‌کند...

نه قبل‌تر، مثلا در نمایشنامه «اهل قبور» در عین حالی که به بختک‌زدگان جامعه می‌پردازید، ولی آنها برای خودشان دیدگاه هم دارند. دیدگاهی که متفرعنانه و خیلی پرتکلف هم نیست. انگار گویش و لحن محاوره از خود آن قشر وام گرفته شده و برآمده از آنهاست.

حقیقتا اینکه بخواهم خودم را پیرو سبکی که به قول شما می‌تواند ترکیبی از رئالیسم و ناتورالیسم باشد اعلام کنم، برایم دشوار است.

این فروتنی هنرمندانه است یا فرار از این‌گونه نامگذاری‌ها؟

بیشتر فرار است، چون اگر خودم را منتسب به این سبک‌ها و عناوین کنم شاید نتوانم گونه دیگری را تجربه کنم.

ترجیح می‌دهید متکثر باشید؟

دقیقا، ولی آن چیزی که در «اهل قبور» هست یا در «همه فرزندان خانم آغا» یا حتی در «همسایه آقا» که سال ۸۵ اجرا شد، موقعیت این آدم‌هاست. شاید آنها آدم‌های کوچه و بازار باشند، اما موقعیت‌ها و فضاهایی که در آن قرار می‌گیرند را خاص انتخاب می‌کنم. برای همین می‌گویم صرفا نمی‌خواهم سراغ رئالیسم محض بروم و عین زندگی‌ها را دراماتیک کنم. همین آدم‌ها باید ویژگی‌های مکانی یا زمانی داشته و نسبت به هم‌قشرها و هم‌عرض‌های خود متفاوت باشند تا مورد توجه قرار بگیرند. مثلا در «همسایه آقا» خانواده‌ای هست که سال‌ها خادم یک امامزاده‌اند. در «اهل قبور» خانواده‌ای از فرط بیچارگی به قبرکندن می‌افتند، در حالی که من برای همین خانواده می‌توانستم وضعیت دیگری تعریف کنم. یعنی می‌خواهم ته فلاکت و مفلس‌بودن را نشان بدهم. ته خط این آدم‌ها برایم مهم است؛ جایی که دیگر راه برگشتی نیست. طبیعی است؛ که این آدم‌ها با این شرایط وقتی در این بن‌بست قرار می‌گیرند، امور و خصوصیات پیش‌بینی ناپذیر دیگری را از خودشان بروز می‌دهند.

از اجرا در طول این مدت چقدر راضی بودید؟ آیا بازتاب کارتان و برخورد تماشاگر، شما را به عنوان خالق اثر راضی کرده‌است؟

به نظرم ارتباط قابل قبول و پایداری مخاطب با اثر داشته، چون همچنان مثل قدیمی‌های تئاتر معتقدم تئاتر وقتی تمام می‌شود تازه شروع می‌شود. تئاتری که نتواند بعد از اتمام خودش چند ساعت یا چند روز مخاطب را درگیر کند، اساسا متولد نشده است.

آیا می‌خواستید ترانه «یه شب مهتاب...» (شبانه۲) با صدای فرهاد و شعر احمد شاملو و موسیقی منفردزاده، یک نوع آرمانگرایی منطقی (آمیخته با حسی نوستالژیک) برای پایان نمایشنامه‌تان باشد؟

هم این بود و هم می‌خواستم با پخش این ترانه از درد و رنج و وضعیت ناخوشایندی که در پایان برای تماشاچی پیش می‌آید کم کنم. شاید بتوان گفت یک نوع تخیله حسی...

هنرمندان برای بقای «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان» پیشقدم شدند

مشارکت ۱۴۴ هنرمند در ضیافتی برای کودکان

سحر آزاد

محمدرضا عارف و همسرش در کنار توران میرهادی/ عکس: آوا کیایی

مثل خیلی از میهمانی‌های ایرانی، باز هم بزرگ‌ترها دورهم جمع شدند تا برای کودکان جشن بگیرند با این تفاوت که نقاشی‌هایشان را نیز به میان گذاشتند تا از فروش آنها «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان» را به بچه‌های سرزمین خود هدیه کنند. عصر روز دوشنبه، ۱۷دی نمایشگاه «پرواز با خورشید» در گالری شیرین افتتاح شد. این نمایشگاه به مناسبت پنجاهمین سال تاسیس شورای کتاب کودک برگزار شده و قرار است عواید حاصل از فروش آثار به «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان» اختصاص پیدا کند. ۱۴۰اثر از ۱۴۴هنرمند پیشکسوت و جوان همچون محمد احصایی، آرمان استپانیان، فرح اصولی، آریا اقبال، پویا آریان‌پور، سیمین اکرامی، محمدعلی بنی‌اسدی، پرویز تناولی، رعنا جوادی، ابراهیم حقیقی، بهرام دبیری، ایران درودی، مصطفی دره‌باغی، گوهر دشتی، نورالدین زرین‌کلک، مریم زندی، عزیز ساعتی، مهدی سحابی، رزیتا شرف‌جهان، بهزاد شیشه‌گران، قباد شیوا، کامران عدل، فخرالدین فخرالدینی، شادی قدیریان، پرویز کلانتری، میترا محاسنی، حسین محجوبی، نصرت‌الله مسلمیان، مرتضی ممیز، گیزلا وارگاسینایی، پیمان هوشمندزاده و... در این نمایشگاه به روی دیوار رفته است. در میان جمعیت زیادی که برای مراسم افتتاح نمایشگاه آمده‌اند، زنی در بالای سالن روی صندلی نشسته و دورتادور او مرتب شلوغ می‌شود. هریک از چهره‌هایی که برای بازدید نمایشگاه می‌آیند، ابتدا نزد او می‌روند و از اینکه در تمام این سال‌ها شورای کتاب کودک را تاسیس و هدایت کرده است، قدردانی می‌کنند. او توران میرهادی، موسس شورای کتاب کودک است که در این ۵۰سال تلاش کرده بدون حمایت دولت و با کمک نهادهای مردمی ادبیات کودکان ایرانی را رشد دهد. گاهی میکروفون یا دوربینی روبه‌رویش قرار می‌گیرد و با اینکه برایش سخت است اما بلند می‌شود تا در کنار یکی از تابلوها درباره نمایشگاه صحبت کند. وقتی یکی از میهمانان درباره این‌همه سخت‌کوشی او می‌گوید، عنوان می‌کند: «این‌همه انرژی را از کارکردن با جوانان می‌گیرد.»

اما حضور محمدرضا عارف، نامزد یازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری به‌همراه همسرش فضای دیگری به نمایشگاه می‌دهد. او به‌عنوان فردی از اهالی سیاست وقتی در میان خبرنگاران قرار می‌گیرد، درمورد شرکت خود در این مراسم می‌گوید: «نمایشگاه ارزشمندی بود. به دوستانم هم توصیه کردم به دیدن این آثار بیایند و خودم هم دوست داشتم از آن بازدید کنم تا به برگزارکنندگان آن دست‌مریزاد بگویم.» عارف همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگاری مبنی براینکه قصد خرید اثر از نمایشگاه را دارد، عنوان می‌کند: «این موضوع را باید بررسی کنم. به‌هرحال من جزو علاقه‌مندان هنر ایرانی هستم و به جوانان ایرانی افتخار می‌کنم. به سهم خودم دوست دارم مشوق آنها باشم.» او درمورد آثار ارایه‌شده در نمایشگاه به «شرق» گفت: «با اینکه هنوز تمام آثار را ندیده‌ام اما کتابی را که برای نمایشگاه آماده شده است، دیده‌ام و شاهد نام‌های برجسته‌ای بودم.» در گوشه دیگری از نمایشگاه نورالدین زرین‌کلک، انیماتور شناخته‌شده کمتر وقتی برای دیدن آثار دارد. مردم در کنار او و تابلوهایش می‌ایستند تا عکس یادگاری بگیرند. اغضای خانواده‌ای از خاطره کتاب‌هایی می‌گوید که با تصویرسازی‌های زرین‌کلک تا به امروز در خاطره‌شان مانده، اما زرین‌کلک می‌گوید خیلی از کتاب‌هایی را که تصویرسازی کرده، ندارد و حاضر است این کتاب‌ها را بخرد که یکی از افراد خانواده می‌گوید از برخی از کتاب‌ها دو جلد دارند که یکی از آنها را به او خواهند داد. شاید در میان آثار نمایشگاه، سه تابلو زرین‌کلک که تصویرهای رنگی مانند خروس و مار و... هستند، بیشتر به فضای کار کودکان بخورند. او البته فارغ از آثار ارایه‌شده، استقبال مردم از نمایشگاه را آن‌هم در یک روز وسط هفته مهم می‌داند و به «شرق» می‌گوید: «امیدوارم نمایشگاه فروش خیلی خوبی داشته باشد تا شورای کتاب کودک تقویت مالی شود و به اهدافش برسد. اهمیت دیگر این نمایشگاه برای من تنوع و گستردگی طیف هنرمندانی است که در آن شرکت کردند.» در این نمایشگاه هنرمندانی مانند قباد شیوا، علی نصیریان، محمدعلی بنی‌اسدی و سیدمحمود دعایی حضور داشتند. همچنین هوشنگ مرادی‌کرمانی نویسنده شناخته شده کودکان و نوجوانان درباره حمایت هنرمندان تجسمی از شورای کتاب کودک به «شرق» می‌گوید: «کسانی هستند شرافتمندانه تلاش می‌کنند تا ادبیات کودک و نوجوان را ارتقا دهند. خود من از کسانی هستم که به شورای کتاب کودک مدیون هستم. همه نویسندگان و کسانی که در این راه بوده‌اند از سوی این شورا حمایت شده‌اند و بسیار ارزنده است که هنرمندان دیگر موقعیت کاری و فکری خود را برای کمک به نویسندگان استفاده می‌کنند. به‌عنوان نویسنده‌ای که به ادبیات کودک و نوجوان منصوب است، از برپایی نمایشگاه خوشحال و سپاسگزارم چون احساس می‌کنم نه‌تنها شورا بلکه من هم تنها نیستم.» از میانه مراسم افتتاح نمایشگاه گذشته است که یک‌باره در ورودی گالری ازدحام می‌شود. داوود رشیدی، بازیگر تئاتر، تلویزیون و سینما به دیدن نمایشگاه آمده است. استقبال مردم به حدی است که روند دیدن آثار از سوی او به‌دلیل گرفتن عکس‌های یادگاری به کندی می‌گذرد. وقتی درباره نمایشگاه از او می‌پرسیم، به شوخی می‌گوید مگر می‌گذارند کارها را ببیند و ادامه می‌دهد: «حضور این همه بازدیدکننده که خیلی از آنها قشر فرهنگی هستند، خیلی خوب است.»

مرادی‌کرمانی: کسانی هستند شرافتمندانه تلاش می‌کنند تا ادبیات کودک و نوجوان را ارتقا دهند. خود من از کسانی هستم که به شورای کتاب کودک مدیون هستم. همه نویسندگان و کسانی که در این راه بوده‌اند از سوی این شورا حمایت شده‌اند و بسیار ارزنده است که هنرمندان دیگر موقعیت کاری و فکری خود را برای کمک به نویسندگان استفاده می‌کنند

همچنین توران میرهادی با اینکه راه‌رفتن در میان شلوغی برایش سخت است در میانه مراسم قصد می‌کند گردشی در نمایشگاه کند و وقتی به سالن شماره دو می‌رود، با ایران درودی که او هم روی صندلی نشسته است، گپی می‌زند. درودی از زحمات میرهادی تشکر می‌کند و حضور خود و هنرمندان دیگر در این نمایشگاه را وظیفه هر ایرانی برای رشد ادبیات کودکان می‌داند. او به «شرق» نیز می‌گوید: «وظیفه ملی و انسانی ماست که با این شورا همکاری کنیم چون زنی مانند توران میرهادی، ۵۰سال از عمر خود را برای فرهنگسازی صرف کرده است. کشور ما بیشتر از هر چیز به فرهنگسازان نیاز دارد.»

کمی به پایان نمایشگاه مانده. کودکی به‌همراه مادرش از آخرین پله‌های گالری شیرین بالا می‌آید. کتاب «پرواز با خورشید» در دستش است و به حرف‌های مادرش که درباره نمایشگاه توضیح می‌دهد، با دقت گوش می‌کند. پسرجوانی درحالی که از کنار این کودک می‌گذرد، خطاب به دوستش می‌گوید: «نمایشگاه خیلی خوبی بود اما حیف که بزرگ‌ترین غایبان آن کودکان بودند.» این نمایشگاه تا روز ۱۹ دی در گالری شیرین واقع خیابان ولنجک خیابان هجدهم شماره ۹ دایر است.

همزمان با افتتاح گالری «ویستا»

۳۸ هنرمند یاد «فروغ فرخزاد» را گرامی می‌دارند

شرق: به بهانه سالگرد زادروز فروغ فرخزاد، نمایشگاهی با غنوان «از اهالی امروز» برگزار خواهد شد. آثار۳۸ هنرمند با موضوع «فروغ فرخزاد» جمعه ۲۰ دی‌ماه در اولین نمایشگاه گالری «ویستا» به نمایش گذاشته خواهد شد. در این نمایشگاه که آرش تنهایی نمایشگاه‌گردان آن است، علاوه بر دو اثر از فروغ، آثاری از آزاده اخلاقی، سمیرا اسکندرفر، مارال اصفهانی، فرشاد آل‌خمیس، صالح تسبیحی، ژینوس تقی‌زاده، حسین تمجید، مریم جهانی، فرزانه حسینی، محبوبه حسینی، ابراهیم حقیقی، محمد حمزه، زرتشت رحیمی، امیر سقراطی، شیوا سنجری، شقایق شجاعیان، بهزاد شیشه‌گران، قباد شیوا، شاهد صفاری، محمدمهدی طباطبایی، کیانوش غریب‌پور، محمد فدایی، آناهیتا سپیده‌مهرگان، کیان وطن، مرتضی یزدانی، آناهیتا قاسمخانی، کوروش قاضی‌مراد و معصومه مظفری به‌نمایش درخواهد آمد. همچنین در بخش «مرور» این نمایشگاه طرح‌هایی از بهروز گلزاری، اردشیر محصص، مرتضی ممیز، جمشید عباچی‌زاده، گیتی نوین، علی خسروی، فرشید پارسی‌کیا و علیرضا لطیفیان وجود دارد. این نمایشگاه تا ۳۰ دی ادامه خواهدداشت و در کنار آن نشست‌هایی با موضوع شعر، سینما و نقاشی با این مضمون برگزارخواهدشد. برای این نمایشگاه یک کاتالوگ ویژه که بخش‌هایی از آثار در آن گنجانده شده تهیه شده است. آرش تنهایی در مقدمه کاتالوگ آورده‌است: «از اهالی امروز بودن ویژگی فروغ و شعرش است که پس از سال‌ها، پرواز و پرنده در خاطر ما زنده است. تنها ۳۲ سال زندگی کرد؛ روح سرکش‌اش می‌خواست تجربه کند. در کنار شعر، تئاتر بازی کرد، فیلم ساخت و نقاشی‌هایی کشید که کمتر دیده‌شد.» وی افزوده: «هشت دی شاعری نقاش در سرزمین هنرهای درهم‌تنیده- شعر و نگارگری، معماری و خوشنویسی- ۷۹ساله شد. این نمایشگاه به بهانه زادروزش برای نزدیک‌تر شدن اهالی نوشتار و تصویر و همنشینی هنرمندانی از نسل‌ها و گرایش‌های مختلف در کنارهم شکل گرفت.» گالری «ویستا» در خیابان مطهری، خیابان میر عماد، کوچه ۱۲، پلاک ۱۱ واقع شده و از ساعت ۱۷ تا ۲۱ پذیرای علاقه‌مندان خواهدبود.

از «محی‌الدین حق‌شناس» در تهران تجلیل می‌شود

بزرگداشت شاعر مردمی «کُرد»

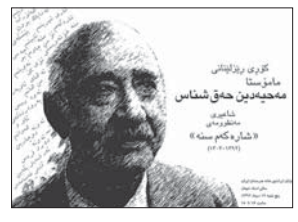

شرق: بزرگداشت محی‌الدین حق‌شناس، شاعر و مردم‌شناس کردستانی، خالق منظومه «شاره که م سنه» همزمان با نودمین سالگرد تولد او، ۱۹ دی سال‌جاری، با حضور جمعی از کردهای مقیم تهران، استادان دانشگاه، اصحاب ادب و فرهنگ و هنرمندان برگزار می‌شود. این مراسم، برای تجلیل از خدمات ارزنده حق‌شناس در زمینه تاریخ و ادب کردستان است که با سخنرانی و اجرای موسیقی از سوی خانواده عندلیبی در سالن استاد شهناز خانه هنرمندان ایران واقع در خیابان ایرانشهر، از ساعت ۱۶ تا ۱۸ برگزار می‌شود. حق‌شناس در طول زندگی خود اشعار فراوانی را با زبان کردی و فارسی در رابطه با ویژگی‌های مردم کردستان و مناطق گردشگری شهر سنندج به روایت در آورد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به شعر «شاره که م سنه» که در وصف شهر سنندج سروده شده بود، اشاره کرد. او علاوه‌بر این مجموعه که به زبان کردی به چاپ رسیده، یک مجموعه شعر به زبان فارسی را نیز منتشر کرده است. محی‌الدین حق‌شناس شاعر و ادیب کرد، زاده زمستان ۱۳۰۳ در سنندج است که ۲۳ مهر سال‌جاری درگذشت. او یکی از برجسته‌ترین شعرای مردمی بود که از محبوبیت بسیاری در بین مردم برخوردار است. او چندین بار به‌عنوان چهره برتر فرهنگی کردستان انتخاب شد.

اجرای «هم‌طناب» تمدید شد

شرق: اجرای نمایش «هم‌طناب» نوشته و به کارگردانی مهین صدری تمدید شد. این نمایش که قرار بود فقط تا ۲۰دی روی صحنه باشد، از هفته آینده روز دوشنبه ۲۳دی دوباره اجرای خود را از سر می‌گیرد. جایگزین نمایش «سالگشتگی» می‌شود و در ساعت ۱۹ به صحنه می‌رود. «هم‌طناب» درباره ماجراهای مربوط به صعود کوهنوردان ایرانی از قله «ماناسلو» در سال ۲۰۱۱ است. این اثر، نمایشی مستند است که بر اساس گزارشات مربوط به حوادث این صعود نوشته شده و همه اتفاقات آن سندیت دارند. بازیگران «هم‌طناب» عبارتند از: علی باقری، سعید چنگیزیان، شهاب زارع، کاظم سیاحی، نادر فلاح، شیوا فلاحی و نوید محمدزاده. این نمایش در تالار شمس موسسه فارسی‌زبانان AIT به روی صحنه می‌رود. تالار شمس در خیابان موحد دانش (اقدسیه)، شرق به غرب بعد از آجودانیه، کوچه نیلوفر، پلاک ۳ قرار دارد.

انجمن حامی
حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی
مدارس زمینه ساز رشد فرهنگی هستند

ملی کارت انجمن حامی ۶۰۳۷ ۹۹۱۱ ۹۹۵۲ ۵۸۷۸
شماره حساب : ۰۲۱۵۶۴۹۴۴۷۰۰۰
شماره تماس : ۰۲۱-۸۸۲۰۸۹۴۸
انجمن حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی

خبرسازان

خداحافظی تهران با سینمای ٤٦ساله

مالک سینما قدس: بخش خصوصی در سینما «له» شد

● **فرانک آرتا:** دیروز تهران با سینما «قدس» خداحافظی کرد. این سینما با نام قبلی «پولیدور» بعد از ۴۶سال فعالیت، روز گذشته به خاطره‌ها پیوست. نخستین فیلمی که در این سینما به نمایش درآمد فیلم خارجی «دام» بود و فیلم «جیب‌بر خیابان‌جنوبی» آخرین فیلمی بود که در آن به نمایش درآمد. حسین نصیری‌نژاد، یکی از مالکان سینما، درباره تعطیلی این سالن سینما به «شرق» گفت: «من خودم مقیم ایران نیستم، ولی به‌دلیل عشق و علاقه‌ام به این حرفه به ایران بازگشتم تا این موضوع را به‌طور جدی دنبال کنم. ما می‌خواستیم سال گذشته این سینما را تعطیل کنیم؛ ولی یک‌سال با خون‌ودل چراغ آن را روشن نگه داشتیم و روز گذشته چاره‌ای جز تعطیلی آن نداشتیم. با تعطیلی این سینما، هزاران خاطره مردم با اشک‌ها و لبخندهایشان تبدیل به خاکستر شد.» وی در ادامه افزود: «وضعیت سینماداری در ایران مانند آلودگی هوا، به مرحله اضطرار رسیده و باید یک کار اساسی کرد. دیگر مسکن به درد نمی‌خورد. اگر مقایسه‌ای با سال۱۳۵۵ داشته باشیم تعداد سینماهای فعال امروز نسبت به آن زمان کاهش یافته است. بعد از انقلاب اسلامی تمامی صنوف سینمایی رشد صعودی داشته‌اند. اما در مورد سالن‌های سینما این قضیه برعکس بوده. چرا؟» این مالک سینما علت تعطیلی سینما «قدس» را چنین عنوان کرد: «امروز در سینمای ایران با وجود توانایی هنرمندان، فیلم‌های خوبی ساخته نمی‌شود. به‌نظر می‌رسید این توانایی‌ها در جهت درست هدایت نمی‌شوند. ما در سینما «قدس» به‌جایی رسیدیم که با وجود دادن بلیت هدیه، کسی فیلم‌ها را نمی‌بیند. درحالی که سینما «قدس» در فاصله سال‌های ۷۵ تا ۷۹ به‌مدت چهارسال جزو پرفروش‌ترین سالن‌های سینمای کشور بود. به‌نظرم مسوولان سینمایی باید به‌طور جدی به این قضیه توجه کنند. چون امروز شاهد تعطیلی سینما «قدس» بودیم، فردا کدام سینما تعطیل خواهد شد؟»